

درآمد: به وزیر دربار در باب قیمت و خریداری باغ

جناب اجل اکرم وزیر دربار، دوست عزیزم

تعلیقۀ شما رسید. از سلامتی شما ممنون شدم. در بابت عمل باغ که مسئله است، اولاً خدای واحد احد شاهد است که من نه مقصودم از شما ملک خریدن است. همین که خیالم رسید که در این موقع از شما دستگیری و کمکی کرده باشم. چنانچه دیروز به حضرت اشرف صدارت عظاما، دام شوکته، در این باب مفصلاً گفتگو نمودم. به این علت گفتیم که پانزده هزار تومان به شما بدهد و کارتان راه بیفتد. بعد از مراجعت و اگر میلتان شد، فروخته، بقیه را بخريد و الا عین پول را بدون یک شاهی تنزیل در موقع قدرت ردّ نمایند و حالا هم اگر میل فروش باشد، تا چهارده روز یگر تأمل نمایید، جناب مدیرالممالک از رشت مراجعت نمایند، آن وقت اگر مایل شدید، قباله نموده، قیمت را به همان قسم ردّ نمایید، یعنی به قسمی که خودتان معین نموده‌اید و اگر به این قسم مایل نیستید، به همان قسم که حاجی حسین آقا پانزده هزار تومان بدهد، باز من هستم و اگر به این قسم هم راضی نیستید، پس باید یکی را وکیل مطلق نمایید تا خود او پس فردا در یک مجلس عمل را قطع نماید، ولی این کار قدری اشکال دارد چون من سفری هستم، حواسّ درستی ندارم. از بابت قیمت مسیو پورطان قیمت نماید و تا بیع نکرده است، نمیدانم به شما چه گفته است. البته قیمت را هم به قسمی خواهید گفت که من بتوانم از عهده برآیم و سایرین توییح ننمایند. در هر صورت مطیع شما هستم. من می‌خواهم که کار شما راه بیفتد بسر\* مبارک قیلۀ عالم و به نمک مبارکش که مقصود دیگر ندارم. جواب را تا فردا صبح به بنده برسانید. هر چه زودتر بهتر است.

پی نوشت: \* به سر: شاید کلمه ای دیگر باشد.